

زهرا خواجویی نژاد

«قطعاً این روزها به راحتی سیری نمی‌شود و خیلی سخت است مخصوصاً لحظه‌ای که خبر فوتی‌ها به گوش‌مان می‌رسد. واقعا آبان سخت گذشت و این یک ماه جزو خاطرات سخت بیمارستان بوده. مرضیه یادگیری پرستار نمونه‌ی بیمارستان امام رضا ۱۵ سال سابقه کار دارد که ۱۱ سال آن را در اورژانس بیمارستان مشغول بوده است. یادگیری تهرانی است و به دلیل ازدواج ساکن سیرجان شده است. او عاشق شغل پرستاری است و با اینکه در روزهای کرونایی شرایط بسیار دشواری را تجربه کرده است می‌گوید اگر به عقب برگردد باز هم همین شغل را انتخاب می‌کند.

پرستاری شغل سختی است؟

اگر عشق باشد شغل سختی نیست. البته پرستاری سختی‌های خاص خودش را دارد. غر میزنی، خسته می‌شوی، مدام با خودت می‌گویی چرا مردم به ما فحش می‌دهند؟ ما در اورژانس خیلی مورد اهانت قرار می‌گیریم. به هرحال اورژانس خط اول بیمارستان است و مردم سطح توقع‌شان خیلی بالاست. البته حق هم دارند چون اولین صحنه‌ای که با آن مواجه می‌شوئیم هستیم. آن لحظه خیلی پرخاصیتش هستند و متعاقباً باعث خیلی از ناراحتی‌ها می‌شود. این رفتارها باعث غر زدن می‌شود که ای بابا این چه شغلی بود که ما انتخاب کردیم ولی در مجموع اگر عشق باشد سخت نیست.

کار کردن در اورژانس بیمارستان سخت نیست؟

من خودم ۱۱ سال است دارم در اورژانس کار می‌کنم. اورژانس قلب بیمارستان و پرسترس‌ترین مکان یک بیمارستان است. ولی من خوشحالم که در اینجا کار می‌کنم و اصلاً سخت نیست.

شندیدیم شما به عنوان پرستار نمونه انتخاب شدید، دلیل این انتخاب چه بوده است؟

البته این سوال را باید افرادی جواب دهند که ما را انتخاب کردند. ولی قطعاً لطف کردند. اما برای انتخاب یک پرستار به عنوان پرستار نمونه باید فرد از هفت‌خان رستم عبور کند و در نهایت بعد از اینکه از فیلترهای مختلف رد شد مثل سنجش از نظر وجدان کاری، اخلاقی، ظاهر، روابط عمومی، برخورد با بیمار، و... سپس در یک جمع‌بندی کلی نام تعدادی که انتخاب شدند را به دانشکده ارسال می‌کنند.

امسال به دلیل کرونا کادر درمان و پرستاران خیلی اذیت شدند در این شرایط

سخت چه می‌کنید؟

قطعاً این روزها به راحتی سیری نمی‌شود و خیلی سخت است مخصوصاً لحظه‌ای که خبر فوتی‌ها به گوش‌مان می‌رسد. واقعا آبان سخت گذشت و این یک ماه جزو خاطرات سخت بیمارستان بوده. مرضیه یادگیری پرستار نمونه‌ی بیمارستان امام رضا ۱۵ سال سابقه کار دارد که ۱۱ سال آن را در اورژانس بیمارستان مشغول بوده است. یادگیری تهرانی است و به دلیل ازدواج ساکن سیرجان شده است. او عاشق شغل پرستاری است و با اینکه در روزهای کرونایی شرایط بسیار دشواری را تجربه کرده است می‌گوید اگر به عقب برگردد باز هم همین شغل را انتخاب می‌کند.

کارهایش را انجام دادیم، با او برخورد داشتیم و می‌بینیم همین که داشت روی تختش حرف می‌زد

ریه‌اش جواب نداد و فوت کرد. من یکی از افرادی بودم که قربانی کرونا بودم و در این شرایط سخت پدرم را از دست دادم. (گریه آمانش نمی‌دهد) این بدترین خاطره‌ی من از این شرایط بود. واقعا در این شرایط رخ دادن چنین اتفاقی برایم سخت بود. البته پدرم ۳۱ شهریورماه توی بیمارستان در تهران فوت کردند. از دست دادن پدر شرایط را برای من خیلی سخت‌تر کرده است. یعنی وقتی می‌بینم یک نفر فوت می‌کند یا یک نفر پشت آی سی‌یو است قشنگ خودم را تصور می‌کنم و اصلاً شرایط خوبی نیست.

وقتی که فهمیدید چنین ویروسی وارد کشور شده است، مضطرب و نگران نشدید؟

امسال من سال پرماجری را داشتم. اولین اتفاقی که برای من در این سال افتاد خودم کرونا گرفتم یعنی ۱۸ خرداد بود که به این بیماری مبتلا شدم ولی خدا می‌داند آن لحظه‌ی اول استرس از

گفت‌وگو با مرضیه یادگیری پرستار نمونه‌ی بیمارستان امام رضا

روزهای سختی را می‌گذرانیم

مرضیه یادگیری، پرستار نمونه‌ی بیمارستان امام رضا/عکس: امین ارجمند | پاسارگاد



فصله گرفت.

این بابت نبود که من ممکن است به این بیماری مبتلا شوم و بیماری را وارد خانه کنم. فکر نکنم هیچ‌کدام از پرستاران آنچنان درگیر این قضیه شده باشند چون ما در محیطی داریم کار می‌کنیم که از نظر پوشش کامل هستیم. قطعاً استرس و وحشت اینکه وای این فرد بیماری کوئید دارد و ممکن است من بگیرم شرایط را برای ما سخت‌تر می‌کرد. خانواده‌ی من هیچ وقت از من نترسیدند. هیچ وقت نگفتند حالا چون توی یک پرستار هستی، خونگی من نیا یا تهران نیا. خانواده‌ی شوهرم هم همین‌طور بودند. خیلی از همکارانم را دیدم که در این زمینه مشکل دارند مثلاً پرریز همکاران اتفاق تلخی برایش رخ داده بود که بیشتر آدم خنده‌اش می‌گرفت. می‌گفت در یک تاکسی کنار یک خانم نشسته بوده است و تاکسی به سمت بیمارستان حرکت می‌کند و در مسیر همکار من با این خانم صحبت می‌کند و از خودش می‌گوید و زمانی آن خانم فهمیده بود همکار من پرستار است می‌گفت شما باور نمی‌کنید با چه حالت و وحشتی از من

خودم را توی اتاق با ماسک قرنطینه کردم و فکر می‌کنم چون از شروع علایم خودم را قرنطینه کردم این باعث شد که نه همسرم و نه بوسم مبتلا نشوند.

در حال حاضر وضعیت بیمارستان چگونه است؟

الان چند روز است که آمار بیمارستان افت داشته است و من دیشب تو لاین کوئید شیفت دادم خدارو شکر آمارمان نسبت به سه هفته پیش و یک ماه گذشته کاهش پیدا کرده است. از دردی که ما تجربه می‌کنیم خبر نداریم. امیدواریم که شب بلبدا مجدداً ورق برگردد.

آن یک ماهی که آمار بالا رفته بود وضعیت بیمارستان چگونه بود؟

وای وای این یک ماه جزو خاطرات سخت هر پرستاری بود، مخصوصاً یک ماهی آبان. در هر شیفتی حدود ۲۷ بیمار پذیرش می‌کردیم. تخت‌ها نه خدا رو شکر، چون من از نظر بهداشتی خیلی رعایت می‌کردم به محض اینکه علایم داشتم

بناشین تا تخت خالی شود و بتوانم کارت را انجام دهم و همکار من روی صندلی رگ مریض را گرفت. متأسفانه اوج ابتلای پرستل اورژانس هم در آبان‌ماه بود. هرکدام از همکاران که مبتلا می‌شدند می‌رفتند مرخصی استعلاجی و ما مجبور بودیم شیفت‌های آن‌ها را هم پوشش بدهیم.

بیماری که به کرونا مبتلا شده از لحاظ شرایط روحی خیلی بهم ریخته است و ترس و استرس زیادی دارد، چگونه این استرس را کنترل می‌کنید؟

در ظاهر شاید در کنترل استرس موفق باشیم اما در باطن نه. درست است مدام به بیماران می‌گوئیم هیچ مشکلی نیست، نگران نباش. حتماً درست می‌شود. من خودم هم گرفتم و خوب شدم، ما داریم بهت دارو می‌دهیم اما در عمل خود فرد دارد

در این روزهای کرونا خاطره شیرین یا تلخی هم در ذهن‌تان باقی مانده است؟

خاطره خوب یک خانم جوانی بود با درگیری ریه بالا به بیمارستان مراجعه کرد و یک جواری دکتر گفت درگیری ریه‌اش ۱۰۰ درصد است. او را به آی سی یو منتقل کردند و هر لحظه منتظر فوت این خانم بودیم. در عین ناباوری بعد از دو هفته بیمار به بخش منتقل شد و از بخش با سلامت کامل از بیمارستان مرخص شد.

خاطره تلخ هم یک بیماری داشتیم که به خاطر اینکه پیوند کلیه بود، ایشان هر روز پیاده‌روی می‌کرد. تا اینکه چند روزی بود زمان پیاده‌روی دچار تنگی نفس می‌شد. زمانی به بیمارستان مراجعه کرد درگیری ریه‌اش ۹۹ درصد بود خیلی بجه‌هایش بی‌تابی می‌کردند. در هوشیاری کامل بود ولی متأسفانه کمتر از ۴-۵ ساعت در بیمارستان فوت کرد.

چرا اکثر افرادی که به کرونا مبتلا می‌شود بیماری‌شان را پنهان می‌کنند؟

بله دقیقاً انگار که متلاخ‌دام گرفتند. فقط بخاطر ترس از دوری اطرافیان بیماری‌شان را پنهان می‌کنند. ترس از تنهایی و حمایت نشدن باعث این اتفاق می‌شود.

معاونت فنی و عمرانی شهرداری سیرجان از آغاز عملیات جمع‌آوری آسفالت فرسوده و اجرای آسفالت جدید بلوار حمزه سیدالشهدا مکی آباد خبر داد

اجرای عملیات پخش آسفالت در مکی آباد کلید خورد

سیرجان گفت: بلوار حمزه سیدالشهدا مکی آباد که یکی از مطالبات مردم برای آسفالت بود، تا چند روز آینده زیر بار آسفالت خواهد رفت و طبق برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته شهرداری سیرجان، تمامی پروژه‌های عمرانی در سطح شهر بدون وقفه در حال انجام است.

معاونت فنی و عمرانی شهرداری سیرجان اظهار کرد: ساماندهی آسفالت خیابان‌ها اولویت کار مدیریت عمرانی شهرداری است و رعایت استانداردها و کیفیت آسفالت در سطح معابر می‌تواند تاثیر خوبی در سطح شهر ایجاد کند.

این مدیر ارشد شهرداری سیرجان با بیان اینکه

همزمان با اجرای طرح‌های عمرانی و فعالیت‌های شبانه‌روزی مجموعه شهرداری، عملیات جمع‌آوری آسفالت فرسوده بلوار حمزه سیدالشهدا مکی آباد که از هفته گذشته در راستای اجرای آسفالت جدید آغاز شده است، همچنان ادامه دارد.

به گزارش واحد خبر و امور رسانه مدیریت ارتباطات شهرداری سیرجان، مهندس رامین یگانه اضافه کرد: همزمان با اجرای طرح‌های عمرانی و فعالیت‌های شبانه‌روزی مجموعه شهرداری، عملیات آسفالت بلوار حمزه سیدالشهدا مکی آباد در حال انجام می‌باشد و قرار بر این است اجرای آسفالت جدید به مساحت ۳۷۸۰۰ متر مربع انجام

یگانه در ادامه گفت: باتوجه به اینکه عملیات آسفالت و ساماندهی وضعیت آسفالت معابر ازدغده‌های مهم شهرداری است و بهسازی معابر با قوت و جدیت بیشتر در سطح شهر در حال اجرا است.

مهندس یگانه با اشاره به آسفالت معابر مختلف در

